



نقش آموزش و پرورش در آموزش شهروندی به دانش آموزان

منصوره بهرامیان
کارشناسی علوم اجتماعی ، دانشگاه اصفهان
۰۹۳۶۴۹۵۸۵۳۱

چکیده :

تربیت شهروندی یکی از مهم ترین اصول مورد بحث در جوامع مختلف می باشد، به گونه ای که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت، این آموزش ها را نجات بخش بحران دنیای معاصر می دانند. از این رو تربیت شهروندی یکی از مهم ترین دلایل توجیه کننده ضرورت و اهمیت نظام آموزش و پرورش در روزگار کنونی است و معلمان از آن جهت که هسته مرکزی دستگاه تعلیم و تربیت و مجریان حقیقی این امر حیاتی هستند، در انتقال این دانش تاثیر به سزایی خواهند داشت. ماهیت ارتباطی که معلمان و مسئولان مدرسه با یکدیگر دارند و اینکه تا چه اندازه خود به عنوان یک شهروند، به طور صحیح عمل می نمایند، جملگی بر تحقق یا عدم تحقق اهداف آموزش شهروندی به دانش آموزان موثرند. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا به بررسی نقش آموزش و پرورش در آموزش شهروندی به دانش آموزان بپردازد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش ، آموزش شهروندی ، دانش آموزان ، معلم .



۱- مقدمه :

از مهمترین رسالت‌ها و دلایل شکل‌گیری دستگاه تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشری و توسعه آن به شکل کنونی آماده‌سازی شهروندانی متعهد، فعال و خلاق بوده است. در این راستا مدرسه به عنوان عنصری از آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان حیاتی‌ترین دستگاه فرهنگی در تربیت شهروند مؤثر و فعال به حساب می‌آید؛ چرا که در پرتو آموزش‌های مدرسه است که شاکله شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. بر پایه آموزش‌های رسمی و غیر رسمی مدرسه‌ای است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. سرنوشت انسان در کلاس درس شکل می‌گیرد. (منافی شرف آبادی ، زمانی و مهدوی خواه ، ۱۳۹۴)

انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد. چون هدف از آموزش و سرمایه‌گذاری آموزشی کشف و توسعه‌ی منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزشها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می‌باشد... آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند.

توشیرو دوکو یکی از معماران توسعه ژاپن، امروزه درباره نقش سازنده و بارورکننده و رشد دهنده انسان و آموزش و پرورش در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می‌کند: ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم، ظرفیت ابداع مغزهایمان. این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده، مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهاترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود. در کشور ژاپن تربیت انسانها، بهترین مساله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می‌کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند، همین آموزش دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه‌های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول) فراهم می‌آورند و ارزشمندترین سرمایه‌های انسانهای با فرهنگ، آموزش دیده و با شخصیت آن جامعه (شهروندان مدنی) هستند. بنابراین زمانی آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمانهایش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق پرورده و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی.

تربیت شهروندی یکی از مباحث مهم جهان در حوزه‌های مطالعات اجتماعی، سیاسی و علوم تربیتی می‌باشد و مباحث مربوط به آن طی قرن اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. (Idrissi, Engel, Benabderrazik , 2021) شهروندی مفهومی دوجانبه است که از یک سو دربردارنده حقوق و از طرف دیگر دربردارنده تکالیف و تعهدهایی می‌باشد، لذا مفهوم مذکور نمی‌تواند صرفاً یک مجموعه حقوق ایجاد نماید و افراد را از تعهد رها سازد. (Joris M, Simons M, Agirdag O. , 2022) بنابراین، شهروندی ظرفیت و شایستگی عضویت در جامعه است و مفهوم شهروندی منزلی به افراد جامعه و اعضای خود اعطا می‌کند و همه اعضای خود را با هم برابر می‌داند. (Kenyon E, Christoff A. , 2020)

شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش درک درست و عینی از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. وقتی که دانش‌آموزان به سن نوجوانی و جوانی می‌رسند



مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و مقررات و ارتباط گیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده ایی از شایستگی های فکری و رفتاری و مهارت های های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند. (بزرگر و شهریاری، ۱۳۹۹)

تربیت شهروندی در قالب نظامهای آموزشی از جمله مدارس محقق میشوند و در نتیجه آن دانش آموزان میتوانند از طریق برنامه های درسی با دانشها و مهارتهای علمی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آشنا و علاوه بر آن نگرشهای مختلفی مانند احترام، صداقت، سعه صدر، وطن پرستی و غیره را نسبت به آنها پیدا کنند. (Leiviska A, Pyy I. , 2021)

دروازه دار و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی نقش و جایگاه آموزش و پرورش و برنامه درسی در تربیت شهروندی دانش آموزان در مدرسه پرداخته و نتیجه گیری کردند بدون تردید یکی از مولفه های بسیار مهم در تربیت شهروندی دانش آموزان، برنامه درسی است. دانش آموزان از طریق برنامه های درسی با انواع دانش علمی، اجتماعی، تاریخی، دینی و مذهبی و ...، مهارت ها و نگرش های مختلفی مانند احترام، صداقت، تعهد، مسئولیت پذیری، رعایت قانون و مقررات و ... آشنا می شوند. تربیت شهروندی به دلیل روابط تنگاتنگ با عوامل و شرایط فرهنگی- اجتماعی و ریشه داری که در اعتقادات مرسوم اجتماعی دارد بیشتر از سایر حوزه های تربیت تاثیر پذیرفته از برنامه درسی خواهد بود. از این رو پرداختن به برنامه درسی در این زمان از ضرورت بیشتری بر خوردار هست و سرفصل برنامه ریزان این حوزه بشمار می رود.

نتایج تحقیق باباخانی (۱۴۰۱) در بررسی رویکردها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران نشان داد در محتوای کتب درسی به مؤلفه های تربیت شهروندی به طور یکسان توجه نشده است. و نظام آموزش و پرورش در تلاش است در قالب آموزش مستقیم و غیر مستقیم دانش آموزان را برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی آماده نماید. هدف اصلی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش افزایش دانش و آگاهی دانش آموزان نسبت به حقوق شهروندی خود و دیگران، ایجاد علاقه نسبت به مشارکت سیاسی اجتماعی، تقویت روحیه تعاون، افزایش حس مسئولیت پذیری، پذیرش تفاوت های فرهنگی، داشتن روحیه تساهل و تسامح، توانایی برقراری ارتباط سازنده و مؤثر با دیگران، توانایی تحلیل منطقی و تفکر انتقادی، رعایت و احترام به قانون و است.

کاکایی و بخشش (۱۴۰۰) در تحقیق خود به بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت شهروندی دانش آموزان پرداختند و به این نتیجه دست یافتند بررسی تاریخ آموزش و پرورش در گسترده جهان نشان می دهد، تربیت شهروندی مفید همواره از اهداف آشکار و ضمنی این سیستم بوده است، لذا از آموزش و پرورش انتظار میرود در تربیت شهروندانی که دارای نگاهی کلان نسبت به مسائل ملی، منطقه ای و جهانی می باشند، نقش فعال تری ایفا کند.

نتایج تحقیق شفیعی و حسینی (۱۳۹۹) در بررسی نقش مدارس در تربیت شهروندی دانش آموزان نشان داد مدارس می توانند تاثیر مثبتی در تربیت شهروندی دانش آموزان داشته باشند؛ لذا باید کادر اداری و آموزشی مدارس و به صورت یک کل یکپارچه در پرورش این مهم تمام تلاش خود را بکار گیرند. هر چه تمام کادر مدارس ارتباط بهتری با اولیا و همچنین دانش آموزان داشته باشند، به همان میزان تربیت شهروندی بهتر در دانش آموزان به وجود خواهد آمد. از طرفی با ارتباط مناسب مربیان با اولیا، دانش آموزان الگو گیری کرده و مهارت های اجتماعی را نیز در خود می پروراند.

یافته های پژوهش نقی زاده و امیدی (۱۳۹۶) در بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت شهروندی نشان داد در تربیت شهروندی، دو نهاد، نقش اساسی بر عهده دارد: الف) نهاد آموزشی که از طریق برنامه درسی رسمی و پنهان در برانگیختن مشارکت دانش آموزان در



ادراهی امور مدرسه و فعالیتهای فوقبرنامه و ایجاد بستر لازم برای همکاری و نزدیکی نهاد آموزشی و خانواده و دادن آگاهی به والدین، نقش اساسی دارد. ب. (نهاد خانواده که از طریق ارزشها و هنجارهای پذیرفته شده، بهعنوان الگوی فرزندان و همانندسازی کودکان با آنها، ایجاد فضای عاطفی و روانی مناسب، احترام به خود و ایجاد تصور مثبت در آنان نسبت به توانایی خود، نقش ایفا می کند.

سبزگری و اسدپور (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی جایگاه آموزش و پرورش و معلم در تربیت شهروند مسئول پرداخته و نشان دادند آموزش شهروندی به طور غیر رسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه های آموزشی و یا به طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی به شهروندان می آموزد که یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در این بین معلمان به عنوان عناصر آموزشی که مسئولیت تربیت و آماده سازی نسل آینده را در بدنه جامعه بر عهده دارند باید به دانش آموزان کمک کنند تا شهروندانی مسئول مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که تلاش موثرتری را به نمایش گذارند.

نتایج تحقیق محمدیان (۱۳۹۶) در بررسی نقش نظام آموزشی و معلمان در آموزش شهروندی نشان داد معلمان می توانند از طریق برقراری ارتباط موثر با دانش آموزان، مشارکت دادن آنان در تصمیم گیری ها و اداره کلاس، توجه به تفاوت های فردی، فراهم ساختن زمینه مناسب جهت ابراز افکار، عقاید و نظرات دانش آموزان و حضور در گروه های کلاسی و یادگیری مشارکتی نقش مهمی در تربیت شهروندانی کارآمد و شایسته ایفا کنند.

۲- روش شناسی :

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش و پرورش در آموزش شهروندی به دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب ، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

۳- بحث درباره یافته ها

شهروندی همانگونه که بیان شد یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزشهای متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. البته این امر زمانی جامه عمل می پوشد که فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک بخود گیرد و این ممکن نیست مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم سالار (که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی) و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می بینند. در این فضای دموکراتیک، دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می بینند. در تمام تصمیم گیریهای مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزشها و ویژگیهای مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش موثرتری را به نمایش گذارند.



شهروند به کسی می‌گویند که با هم‌نوع خود زندگی کرده و دولت آن را پشتیبانی می‌کند. دارای حقوق اجتماعی بوده و به انجام وظایف اجتماعی مشغول است. شهروندی همان شیوه‌های زندگی کردن شهروندان با همدیگر بوده و مصدق توانمندی‌های افراد برای قضاوت درباره زندگی خویش است. از این رو تعیین شهروندی افراد از طریق طبقه و جنسیت و مذهب و هویت نبوده و در نحوه ارتباط افراد با یکدیگر و با جامعه معنی می‌یابد. شهروندی همواره همراه با احساس مسئولیت می‌باشد و حس شهروندی شامل دو جنبه مهم است که عبارتند از: (نیکفر، ۱۳۷۸)

الف) شرافت کاری یکی از جنبه‌های مهم مسئولیت شهروندی است که بدون آن مدنیت پیشرفته بدست نخواهد آمد. ب) در صورت استقرار جامعه مدنی، امکان بروز مسئولیت مدنی نیز وجود دارد. با این وجود جامعه مدنی بدون کوشش شهروندانی با حس مسئولیت‌پذیری قوی قابلیت استقرار ندارد.

۳-۱. آموزش شهروندی

آموزش شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانشها، ارزشها و نگرشهای لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزشهای بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارتهای لازم برای فهم سیاستهای عمومی و نظارت بر آنها می‌شود. بنابراین هدف اصلی از آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای منتقل کردن مجموعه‌ای از ارزشها، علوم و رفتارها است که در راستای تداوم و رفاه جامعه ضروریست. از این رو آموزش شهروندی در پی جذب حمایت و توجه نسل جوان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از راه فرایندهای یاددهی و یادگیری محقق می‌گردد.

به عقیده‌ی بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه‌ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند. نظام آموزشی مردم سالار، درصدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده‌ی کنونی، هم بر سرمایه‌ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش نماید. تعلیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی بر توسعه‌ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می‌تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می‌تواند او را به ارزشهای اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید.

آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت و در واقع همان پشتوانه‌های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه‌ی سیاسی کشور به شمار می‌رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

۱- آموزش مفید، اثربخش و کاربردی.

۲- تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه.

۳- تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم.

۴- هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه‌ی مطلوب.



۵- تربیت انسانهای قانونمند، مشارکت پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن.

۶- جا انداختن فرهنگ تحزب گرایی و تمرین مشارکت در اداره ی امور مدرسه و جامعه.

۷- تقویت ایمان، روحیه ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنجها، عدالت جویی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار.

از منظر معلمان و مربیان تعلیم و تربیت، مدرسه محلی در جهت آمادگی پیدا کردن دانش آموزان برای تمرین و تجربه زندگی در عرصه های متفاوت است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای آموزش و یادگیری حقوق و مسئولیت های شهروندی می باشد. از این رو تربیت شهروندی هدف اصلی در توسعه مدارس امروزی است. به بیان دیگر مدارس می بایست به عنوان مدرسه زندگی فعالیت داشته باشند. برای دستیابی به ویژگی های شهروندی، لازم است مدارس به محلی برای بوجود آوردن فرصت های مناسب تجربه کردن و تمرین عرصه های متنوع زندگی تبدیل شوند تا از این راه زمینه های لازم در جهت برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان فراهم شود. بنابراین ضروریست مدرسه به عنوان الگو و نمونه ای کوچک از جامعه باشد که در آن دانش آموزان در زمینه های مختلف مانند حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت محیط زیست، ارتباطات، و مانند آن به یادگیری بپردازند و تحقق این امر مستلزم پرداختن هرچه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارتهای زندگی در سطح مدارس است.

۳- ۲. آموزش شهروندی در مدارس

با در نظر گرفتن این که یکی از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی، اجتماعی کردن افراد جامعه است، و این امر نیز بیشتر از طریق برنامه های آموزشی و درسی صورت می گیرد و با توجه به اهمیت و جایگاه سازماندهی محتوا در برنامه درسی، نقش آن در یادگیری موثر، ضرورت استفاده منطقی از شیوه های سازماندهی در تهیه برنامه های درسی، تعیین اصول و روشهای مناسب سازماندهی محتوا و نیز این واقعیت که در بسیاری از کشورها، روشهای آموزشی، بستر مناسبی برای آموزش شهروندی است؛ چالشها و مشکلاتی که چنین آموزشی در ایران با آن مواجه است، شیوه انتخاب روشهای آموزشی مناسب در تعلیم و تربیت با محوریت حقوق شهروندی ضرورت می یابد. (گوازی، ۱۳۸۷)

به طور کلی مجموعه ها و مکان های مشخصی برای یادگیری شهروندی وجود دارند نظیر: خانواده، نظام آموزش مدرسه ای، آموزشهای رسمی و غیررسمی پس از مدرسه، محل کار و مشارکت در فعالیتهای مدنی. در این راستا قائدی (۱۳۸۵) برای پرورش ویژگیها و ارزشهای شهروندی، راهکار آموزش مستقیم شهروندی از طریق برنامه های درسی را بر شمرده است. به نظر وی اولین نشانه جدی اجرای آموزش تربیت شهروندی، وجود برنامه درسی خاصی برای این مورد است تا از این راه دانش آموزان یک جو دموکراتیک را تجربه کنند. در جهت اجرای این برنامه، نیاز به تفکر مجدد مقامات مسئول و سیاستگذاران و مدارس، در زمینه تناسب موضوعات درسی سنتی برای تربیت شهروندی است. دو الگوی متفاوت برای آموزش مستقیم از طریق برنامه درسی وجود دارد: (قائدی، ۱۳۸۵)

۱. آموزش از طریق برنامه های درسی مجزا:



هدف از برنامه درسی مجزا آموزش شهروندی به شکل یک برنامه درسی ویژه و مجزا از دیگر برنامه های درسی در مدرسه می باشد . به عنوان مثال در کنار دیگر دروس مانند ریاضی ، علوم تجربی و دری خاصی برای شهروندی نیز قرار داده شود . در این روش اجرای برنامه درسی تربیت شهروندی با توجه به فاکتورهای زمان مشارکت کنندگان و معلمان انجام می شود .

۲. آموزش از طریق برنامه های درسی درهم تنیده :

در این روش تربیت شهروندی در ترکیب با موضوعات برنامه های درسی مدارس می باشد . به این معنا که مباحث شهروندی با محتوای دروس تلفیق شده و در شکل یک درس خاص با یکدیگر در ارتباط باشند . به نظر می رسد بکارگیری هر دو صورت از پرورش ارزش های شهروندی (برنامه مجزا و برنامه مرکب) ، دستیابی به اهداف تربیت شهروندی را بهبود می دهد .

در صورتی که، برنامه های درسی ویژه و مجزایی برای تربیت شهروندی تدوین شود و یا اینکه ارزشهای شهروندی به صورت درهم تنیده عرضه شود، اهداف آن می تواند مشتمل بر موارد زیر باشد :

۱ . کمک به دانش آموزان در تعبیر و تفسیر ارزشها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و منتقل می شود؛

۲ . فراهم سازی مبنای لازم برای رشد روحی و روانی دانش آموزان؛

۳ . توسعه حس قدر شناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و هویت ملی؛

۴ . افزایش مسئولیت پذیری شخصی؛

۵ . افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی؛

۶ . فراهم کردن راهنمایی برای رفتار در زندگی روزمره؛

۷ . کمک به افراد جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی؛

۸ . مبارزه با بدرفتاری با محیط زیست؛

۹ . افزایش و ارتقای صلح (در سطح ملی و بین المللی)؛

۱۰ . تقویت غرور ملی در سطح جامعه؛

۱۱ . تقویت مبنای خانواده؛

۱۲ . افزایش احترام به ارزشهای عدالت، برابری و مانند آن؛

۱۳ . تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی؛

۱۴ . افزایش احترام و تساوی فرصتها برای دختران و زنان؛

۱۵ . جلوگیری از آسیب رسانی اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل؛

۱۶ . پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی .



۴- نتیجه گیری

شهروندی فرآیندی در ارتباط با تمام عمر انسان است و از این رو همه نیازمند آموزش‌های مرتبط با شهروندی در مراحل مختلف زندگی خود می‌باشند. دانش آموزان نیز از آن دسته از افراد می‌باشند که نیاز به آموزش در زمینه‌های اخلاقی، رشد مهارت‌های اجتماعی و علمی دارند تا بتوانند در همه تصمیم‌گیری‌های خود در خانه و یا مدرسه و جامعه مشارکت داشته و به عنوان شهروندی مسئول، به گونه‌ای فعال در مناسبات اجتماعی حضور داشته باشند. در این راستا آموزش و پرورش وظیفه اصلی را برعهده دارد. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزشها و ویژگیهای مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند. در سایه چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت، مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف آن است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیتهای شهروندی است. از این رو آنچه که می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه‌ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان مدرسه‌ی زندگی است.

منابع

- باباخانی، سجاد. (۱۴۰۱). بررسی رویکردها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۴۸
- بزرگر، رضوان، شهریاری، اصغر. (۱۳۹۹). نقش مدارس در تربیت شهروند فعال، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال سوم، شماره ۲۴
- دروازه دار، فرشته و دروازه دار، مریم و رافعی، ناهید و چراغی، زینب. (۱۴۰۲). نقش و جایگاه آموزش و پرورش و برنامه درسی در تربیت شهروندی دانش آموزان در مدرسه، اولین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر
- سبزگری، نسیم، اسدپور، نسیم. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه آموزش و پرورش و معلم در تربیت شهروند مسئول، اولین کنگره بین المللی پژوهش‌های تخصصی در علوم، مهندسی و فناوری‌های دانشگاهی-صنعتی، شیراز
- شفیعی، صابر، حسینی، سید علی. (۱۳۹۹). نقش مدارس در تربیت شهروندی دانش آموزان، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، سال دوم، شماره ۱۱
- قائدی، ی. (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷، صص ۲۱۰-۱۸۳
- کاکایی، مرضیه و بخشش، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت شهروندی دانش آموزان، نهمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران
- گوازی، آ. (۱۳۸۷). شیوه انتخاب و ساماندهی برنامه درسی. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۲۵، سال هفتم، صص ۴۸-۱۱
- محمدیان، زهرا. (۱۳۹۶). نقش نظام آموزشی و معلمان در آموزش شهروندی، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران



منافی شرف آبادی، کاظم، زمانی، الهام، مهدوی خواه علی . (۱۳۹۴) . الگوی کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش، سال نهم، شماره ۴۸

نقی زاده ، نفیسه ، امیدي ، جمشید . (۱۳۹۶) . بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت شهروندی ، اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی ، تربیتی ، علوم انسانی و روانشناسی ، تهران

نیکفر، محمدرضا . (۱۳۷۸) . خشونت، حقوق بشر، جامعه‌ی مدنی، تهران؛ انتشارات طرح نو

Idrissi H, Engel LC, Benabderrazik Y. (2021). New visions for citizen formation: An analysis of citizenship education policy in Morocco. Education, Citizenship and Social Justice, 16(1): 31-48.

Joris M, Simons M, Agirdag O. (2022). Citizenship-as-competence, "What else"? Why European citizenship education policy threatens to fall short of its aims. European Educational Research Journal; 21(3): 484- 503.

Kenyon E, Christoff A. (2020). Global citizenship education through global children's literature: An analysis of the NCSS Notable Trade Books. The Journal of Social Studies Research; 44(4): 397-408

Leiviska A, Pyy I. (2021). The unproductiveness of political conflict in education: A nussbaumian alternative to agonistic citizenship education. Journal of Philosophy of Education; 55(4-5):